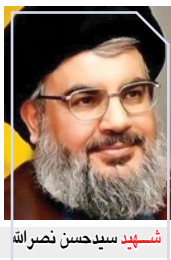
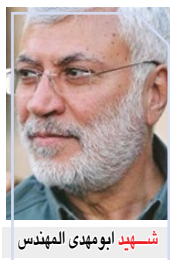




شهید قاسم سلیمانی



شهید سیدحسن نصرالله



شهید ابوبهی الهفندیس



شهید مصطفی چمران



شهید اوارو آنبلی



شهید حسن شاطری



شهید حسن ظهرانی مقدم



شهید حسین همدانی



شهید دمن فخریزاده



شهید صیاد شیرازی



شهید محسن حججی



شهید سیدمحمدباقر حکیم



شهید عداد مغینه



شهید ابراهیم زکرائی



دکتر رمضان عبدالله



سردار ابراهیم محمدزاده

می گوید علیرضا اعظمی، زائر اهل اصفهان هستم. از سال ۱۳۹۷ تاکنون تقریباً هر سال در پیاده‌روی اربعین حضور داشتم.ام. علاقه به امام حسین(ع) حد و مرز نمی‌شناسد و همین عشق است که انسان را به این سفر معنوی دعوت می‌کند. در این مسیر، آدم احساس می‌کند به اهل‌بیت(ع) نزدیک‌تر شده و نیرویی معنوی پیدا می‌کند که سختی‌های زندگی را برایش آسان‌تر می‌سازد.

اگر امسال به این سفر نمی‌آمدم، بزرگ‌ترین حماسه حضور آزادگان جهان را در دست می‌دادم؛ راهپیمایی اربعین- نماد اقتدار و همبستگی آزادگان دنیاست. نخستین باری که در این مسیر قدم گذاشتم، تنها یک احساس داشتم؛ اشتیاقی وصفناشدنی برای رسیدن به حرم امام حسین(ع). حسی که با هیچ واژه‌ای قابل توصیف نیست.

در این سفر بیش از هر چیز برای مردم ایران، نیروهای مسلح کشور و رهبر انقلاب دعا می‌کنم تا خداوند به همه صبر، استقامت و عزت عطا کند و ایران مقتدر از این روزهای سخت عبور کند.

اگر امروز امام حسین(ع) روبه‌روی باشد، تنها یک جمله می‌گویم: «سپاسگزارم که همیشه پشت ملت ایران بوده‌اید.» باور دارم هرچه در زندگی دارم از برکت امام حسین(ع) است. ایشان کشتی نجات و چراغ هدایت هستند و هر نفسی که می‌کشم، مدیون مکتب و آموزه‌های آن حضرت است.

هدهای کوچک از کودکی بزرگ

در گرمای طاقت‌فرسای مسیر، تنها عشق به امام حسین(ع) است که زائر را تا مقصد می‌رساند. یکی از ماندگارترین صحنه‌هایی که هرگز فراموش نمی‌کنم، دیدن دختر بچه‌ای دو یا سه ساله در مسیر «طریق‌العلماء» بود که تنها دارایی خانواده‌اش چند دستمال کاغذی بود، اما همان را با لبخند به زائران تعارف می‌کرد. وقتی فهمیدم همه دارایی‌شان همین است، بی‌اختیار اشک ریختم. آن صحنه برای همیشه در ذهنم ماند.

بارها نیز زائرانی را دیدم‌ام که با وجود نداشتن پا یا تحمل سخت‌ترین شرایط جسمی، با عشق خود را به این مسیر رسانده‌اند. این عشق، انسان را به حرکت وامی‌دارد و هیچ مانعی جلودارش نیست. بخش مهمی از زندگی امروز من نیز حاصل همین مسیر است. بسیاری از بهترین دوستانم را در اربعین پیدا کرده‌ام. یک‌سای از این رفاقت‌ها از نخستین سفر کربلایم در سال ۱۳۹۴ آغاز شد



تاریخ هرگز متوقف نمی‌شود، اما گاه در نقطه‌ای از زمان، نقلی می‌یابد که جهت حرکت قرن‌ها را دگرگون می‌سازد. از ظهر تفنیدیه عاشورا که صدای «بِهات مِنّا الذّٰلِکَ» در نینوا طنین‌انداز شد تا ایستادگی بی‌مانند حضرت زینب کبری (س) در کاخ سستمرگان شام، یک حقیقت مسلم آشکار گردید: حق هرگز دفن‌شدنی نیست؛ بلکه از شریانی به شریان دیگر منتقل می‌شود تا در عصر سرگشتگی بشر مدرن، به ناگاه در کالبد راهپیمایی عظیم اربعین حلول کند. امام حسین(ع) به درستی و در زمان درست تاریخ قیام کرد و از ظهر عاشورا، این زینب کبری (س) بود که مسیر درست تاریخ را طی کرد و با جهاد تبیین، مانع تحریف حقیقت شد. اینک در امتداد همان مسیر نورانی، کلان‌راهبرد پیاده‌روی اربعین که توسط رهبر شهید انقلاب، امام خاتمی‌ای (ره)، احیاء و بنیان گذاشته شد، موتور محرک تبدیل ملت‌های پراکنده به «امت واحده اسلامی» و بیداری آزادگان جهان است. این شاهراه سراسر نور، دیگر تنها یک مناسک عبادی ساده نیست؛ بلکه مانیفست یک تمدن در حال تولد و طبیعه مدینه فاضله‌ای است که جهان خست را از فردگرایی غریبی، در انتظار آن روزشماری می‌کند.

در جهانی که نظریه‌پردازان غربی سال‌ها از «پایان تاریخ» سخن گفته، لیبرال‌دموکراسی را آخرین منزل تمدن بشری معرفی کردند و رسانه‌های سلطه کوشیدند انسان را در حصار فردگرایی، مصرف‌زدگی و انزوای اجتماعی محبوس کنند، هر سال در جاده نجف تا کربلا حقیقتی متفاوت رخ می‌نماید. این جریان عظیم، نظریه لیبرال‌دموکراسی را به چالش می‌کشد و نشان می‌هد تاریخ، برخلاف تصور مدعیان قدرت، هنوز با منطق عاشورا و آرمان عدالت‌خواهی در حرکت است؛ حقیقتی که نه از قدرت نظامی، نه با سرمایه و نه با تبلیغات سازمان‌یافته، بلکه با ایمان، ایثار و محبت میلیون‌ها انسان شکل می‌گیرد. تاریخ، برخلاف آنچه نظریه‌پردازان مادی می‌پندارند، نه با اراده فاتحان زر و زور، بلکه با حقیقت محض مسیر خود را می‌یابد. چه بسیار قدرت‌هایی که جهان را در سیطره خود پدیدانند، اما جز نامی در کتاب‌ها از آنان باقی نماند و چه بسیار خاندان‌های پاکی که بر خاک ریخت، اما مسیر روخانه تاریخ را برای همیشه تغییر داد. عاشورا از همین جنس است؛ حادثه‌ای که در ظاهر، کاروانی اندک در برابر سپاه عظیم ایستاد، اما در حقیقت، نقطه آغاز حرکتی شد که هنوز پس از قرن‌ها، پیام‌بخش

و اکنون بیش از یازده سال است که ادامه دارد. حتی گاهی فقط برای دلنگنی امام حسین(ع)، چهل‌وهشت ساعته راهی مهران می‌شویم، زیارت می‌کنیم و بازمی‌گردیم.

در میان همین دوستان، در مقاطع حساس زندگی، دستم را گرفتند و اجازه ندادند از مسیر حق دور شوم. به باور من، مکتب امام حسین(ع) همین است؛ هرکس به آن نزدیک شود، دستش گرفته می‌شود و راه هدایت را پیدا می‌کند.

اگر بخوایم ثواب این سفر را به شهیدی تقدیم کنیم، آن شهید، شهید آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی است. او را شهید خدمت می‌دانم؛ مدیری که برای تسهیل زیارت اربعین و خدمت به مردم تلاش فراوانی کرد و همواره مسئولیت را فرصتی برای خدمت می‌دید.

و اگر قرار باشد در این مسیر هم‌قدم شهیدی شوم، بی‌تردید شهید حاج قاسم سلیمانی را انتخاب می‌کنم؛ مردی که با مجاهدتهایش امنیت این مسیر را حفظ کرد و زمینه حضور میلیون‌ها زائر را فراهم ساخت. نخستین سختم با او، تشکر برای امنیت است که با ایثار خود به زائران هدیه داد. در پایان نیز تنها یک دعا دارم؛ اینکه خداوند ظهور حضرت ولی‌عصر(عج) را نزدیک کند. امروز نیاز دارم و امید دارم خداوند توفیق درک آن روز بزرگ را نصیب همه ما کند.

جستجوی آرامش در مسیر حسین (ع)

علیرضا طایب، از شهرستان سمیرم هستم. حدود هفت یا هشت سال است که خداوند توفیق حضور در اربعین را نصیبم کرده و هر بار با شوق بیشتری راهی کربلا می‌شوم. امسال با وجود شرایط جنگی منطقه، هیچ تردیدی برای آمدن نداشتم؛ چرا که امام حسین(ع) همه هستی خود را برای اسلام و قرآن فدا کرد و ما نیز باید ادامه‌دهنده همان راه باشیم. تا زمانی که مسیر کربلا باز باشد، این راه را ادامه خواهیم داد.

چند ماه پیش برای عرفه به کربلا آمده بودم و تصمیم داشتم امسال دیگر به اربعین نیایم، اما هرچه به این روزها نزدیک‌تر می‌شدم، احساس می‌کردم گمشده‌ای دارم. وقتی دوباره به کربلا رسیدم، همان آرامشی را پیدا کردم که دنبالش بودم.

بیشترین دعام در این سفر برای تسجیل در چند ماه پیش برای عرفه به کربلا آمده بودم و تصمیم داشتم امسال دیگر به اربعین نیایم، اما هرچه به این روزها نزدیک‌تر می‌شدم، احساس می‌کردم گمشده‌ای دارم. وقتی دوباره به کربلا رسیدم، همان آرامشی را پیدا کردم که دنبالش بودم.

گاهی یک تصویر، هزاران جمله را روایت می‌کند؛ کودکی که لبوان آب تعارف می‌کند، پیرمردی که با تمام توان قدم برمی‌دارد، خادمی که شستگی را فراموش کرده و زائری که تمام مسیر را با یک دعا در دل طی می‌کند. در جاده نجف تا کربلا، لحظه‌هایی رقم می‌خورد که شاید در میان ازدحام جمعیت دیده نشود، اما هر کدام بخشی از حقیقت این سفر بزرگ است.

در ادامه روایت‌های خبرنگار کیهان از مسیر پیاده‌روی اربعین، این بار سراغ قاب‌هایی رفته‌ایم که نه در آمارها دیده می‌شوند و نه در گزارش‌های رسمی؛ روایت انسان‌هایی که با عشق آمده‌اند، خدمت کرده‌اند، گریسته‌اند و هر کدام گوشه‌ای از این حماسه را ساخته‌اند. آنچه می‌خوانید، روایت‌هایی کوتاه از دل همین لحظه‌هاست: قصه‌هایی از زائران و خادمانی که نشان می‌دهد اربعین تنها در رسیدن به مقصد خلاصه نمی‌شود، بلکه مسیر آن نیز پر از درس و خاطره است.

به مقصد خلاصه نمی‌شود، بلکه مسیر آن نیز پر از درس و خاطره است.

گاهی یک تصویر، هزاران جمله را روایت می‌کند؛ کودکی که لبوان آب تعارف می‌کند، پیرمردی که با تمام توان قدم برمی‌دارد، خادمی که شستگی را فراموش کرده و زائری که تمام مسیر را با یک دعا در دل طی می‌کند. در جاده نجف تا کربلا، لحظه‌هایی رقم می‌خورد که شاید در میان ازدحام جمعیت دیده نشود، اما هر کدام بخشی از حقیقت این سفر بزرگ است.

در ادامه روایت‌های خبرنگار کیهان از مسیر پیاده‌روی اربعین، این بار سراغ قاب‌هایی رفته‌ایم که نه در آمارها دیده می‌شوند و نه در گزارش‌های رسمی؛ روایت انسان‌هایی که با عشق آمده‌اند، خدمت کرده‌اند، گریسته‌اند و هر کدام گوشه‌ای از این حماسه را ساخته‌اند. آنچه می‌خوانید، روایت‌هایی کوتاه از دل همین لحظه‌هاست: قصه‌هایی از زائران و خادمانی که نشان می‌دهد اربعین تنها در رسیدن به مقصد خلاصه نمی‌شود، بلکه مسیر آن نیز پر از درس و خاطره است.

به مقصد خلاصه نمی‌شود، بلکه مسیر آن نیز پر از درس و خاطره است.

گاهی یک تصویر، هزاران جمله را روایت می‌کند؛ کودکی که لبوان آب تعارف می‌کند، پیرمردی که با تمام توان قدم برمی‌دارد، خادمی که شستگی را فراموش کرده و زائری که تمام مسیر را با یک دعا در دل طی می‌کند. در جاده نجف تا کربلا، لحظه‌هایی رقم می‌خورد که شاید در میان ازدحام جمعیت دیده نشود، اما هر کدام بخشی از حقیقت این سفر بزرگ است.



نزدیک می‌کند. هر کس در این مسیر خود را پیدا کند، خدا و امایش را نیز خواهد شناسخت و این همان بزرگ‌ترین هدیه اربعین است.

جام فدای امام حسین (ع)

من اشرف علی‌محمدی، اهل کاشان هستم و برای سومین بار توفیق حضور در پیاده‌روی اربعین را پیدا کرده‌ام. با وجود شرایط جنگی، هیچ تردیدی برای آمدن نداشتم. من خواهر شهید هستم و از کودکی با فرهنگ ایثار و شهادت زندگی کرده‌ام. عشق به امام حسین(ع) و حضرت ابوالفضل(ع) باعث شد دوباره راهی این سفر شوم. اگر امسال نمی‌آمدم، تا آخر عمر عذاب وجدان داشتم. با خود گفتم انسان فقط یک جان دارد و اگر قرار باشد این جان در راه امام حسین(ع) باشد، چه افتخاری بالاتر از این؟

وقتی برای نخستین بار وارد این مسیر شدم، احساس کردم وارد بهشت شده‌ام. جایی زیباتر از این ندیده بودم. در این سفر بیشتر برای فرج امام زمان (عج)، پیروزی رزمندگان اسلام، نابودی دشمنان اسلام و سلامتی خانواده‌ام دعا می‌کنم. اگر امروز امام حسین(ع) روبه‌روی باشد، فقط یک جمله می‌گویم: «جام فدای شما».

در برابر استکبار جهانی تحکیم می‌کند و نقطه را تکرار کنم، عشق به حسین بن علی(ع) و عدالت‌خواهی آن.

اگر تمدن‌ها را با توانایی آنها در تولید معنا، سرمایه اجتماعی و همبستگی انسانی بسنجیم، اربعین تنها یک اجتماع میلیونی نیست؛ بلکه نمایش عملی ظرفیت تمدنی اسلام در عصر بحران معنا و فروپاشی پیوندهای اجتماعی است.

یکی از شگفت‌انگیزترین ابعاد پدیده اربعین و راز عظمت آن، استقلال ساختاری و هدایت کاملاً مردمی آن است. اربعین تحت سیطره و مدیریت هیچ دولت، سازمان یا جریان بوروکراتیک و سیاسی نیست. هرچند حاکمیت‌ها وظیفه تسهیلگری در زیرساخت‌ها و برقراری امنیت را بر عهده دارند، اما موتور پیشران و گراننده اصلی این رویداد عظیم میلیونی، نوده‌های مردم مؤمن و مخلص هستند. در این فضا، کلیشه‌های رایج مدیریت مادی درهم می‌شکنند و «اقتصاد مدینه ی ایتار» جایگزین معادلات نفع‌گرایانه بازار می‌شود. میلیون‌ها خادم، بی‌هیچ چشمداشتی، خانه‌ها،

دارایی‌ها و سرمایه زندگی خود را وقف خدمت می‌زن. کارآمدی الگوی مدیریت اسلامی مبتنی بر ایمان را بر رخ نظریه‌پردازان غربی می‌کشد و ثابت می‌کند جامعه‌ای که بر ایمان و محبت استوار باشد، می‌تواند بدون سازوکارهای پیچیده بوروکراتیک، بزرگ‌ترین عملیات خدمت‌رسانی را انجام دهد. از منظر جامعه‌شناختی، اربعین شبیه‌سازی عینی سبک زندگی مهدوی و تمرین عملی جامعه زباز و رنگ پوست، امتیاز نیست. آفرینده همه، از زائران یا خدام- و گاه خادم خود را بیش از زائر محتاج عنایت سیدالشهدا(ع) می‌داند. مفاهیمی چون ایثار، مواسات، همدلی و گذشت که در ادبیات مدرن غربی به افسانه شبیه‌اند، در جاده نجف تا کربلا به حقیقت تبدیل شده‌اند. این حرکت می‌شود، سادگی، بی‌تکلفی و بی‌پیرایگی زائران و



صفحه ۱۰

یکشنبه ۱۸ مرداد ۱۴۰۵

۲۵ صفر ۱۴۴۸ - شماره ۶۲۴۰۶



اگر بخوایم ایشان را به کسی که نمی‌شناسد معرفی کنیم، می‌گوییم امام حسین(ع) کسی بود که جان خود را برای حفظ اسلام فدا کرد؛ اگر آن قیام نبود، امروز نه از نماز خبری بود و نه از بقای دین. زیباترین صحنه‌ای که در این سفر دیدم، اجرای تفریه در تل زینبیه بود؛ صحنه‌ای که تا همیشه در خاطرم خواهد ماند.

برکت اربعین در زندگی

بارها دستگیری امام حسین(ع) را در زندگی‌ام احساس کرده‌ام. پیش از سفر، خودرویی که قرار بود با آن راهی عراق شوم، ناگهان از کار افتاد. با خودم گفتم شاید اگر این اتفاق در میانه راه رخ می‌داد، حادثه‌ای تلخ پیش می‌آمد. این را لطف امام حسین(ع) می‌دانم. در زندگی فرزندانم نیز همیشه عنایت اهل‌بیت(ع) را دیده‌ام و خدا را شکر می‌کنم که آنان را از بسیاری از لغزش‌ها حفظ کرده است. امسال با وجود شرایط منطقه، جمعیت زائران از سال گذشته بیشتر بود و فضای اربعین را معنوی‌تر از همیشه دیدم. مردم عراق نیز با گذشت و همهمان‌نوازی مثال‌زدنی خود، درس بزرگی از عشق به امام حسین(ع) به ما می‌دهند؛ آنان با جان و مالشان در خدمت زائران هستند.

اگر قرار باشد ثواب این قدم‌ها را به شهیدی بمانم. اربعین به من آموخت که پیش از شناختن راه، باید خود انسان، خودش را بشناسد و وقتی این شناخت حاصل شود، راه حسین(ع) نیز روشن‌تر از همیشه پیش روی او خواهد بود.

عشقی که ترس را از دل می‌برد

ترگس کمانی هستم و امسال برای دومین سال متوالی راهی اربعین شدم. باوجود همه نگرانی‌هایی که درباره شرایط منطقه وجود داشت، حتی یک لحظه هم به خطرات فکر نکردم. تنها چیزی که در دلم بود، عشق و دلنگنی امام حسین(ع) بود. اگر این سفر تصمیم نمی‌شد، احساس می‌کردم زیارتی بزرگ را از دست داده‌ام. بیشترین دعام در این مسیر برای تسجیل در فرج حضرت ولی‌عصر (عج) است. اگر امروز روبه‌روی امام حسین(ع) قرار بگیرم، تنها از ایشان می‌خواهم که از خدا بخواهند ظهور امام زمان (عج) نزدیک‌تر شود.

امام حسین(ع) به من آموخته است که از گناه فاصله بگیرم و در مسیر درست زندگی قدم بردارم.



مقیاسی فراتر از مرزهای ملی تبدیل شده است. میلیون‌ها زائر بدون قراردادهای سیاسی و مناسبات رسمی، شبکه‌ای از ارتباطات انسانی را شکل می‌دهند که آثار آن محدود به ایام اربعین نمی‌ماند، زیرا بر اندازه سرمایه اجتماعی و اعتماد میان ملت‌ها افزایش یابد. امکان همگرایی و همکاری نیز بیشتر خواهد شد. تجربه اربعین الگویی متفاوت از همکاری داوطلبانه و مسئولیت‌پذیری را به نمایش می‌گذارد که در آن، هویت‌های دینی و فرهنگی نقشی فعال در بسجج اجتماعی ایفاء می‌کنند. اربعین، پایان یک مراسم نیست؛ آغاز یک افق است. اتفاقی که از کربلا آغاز شد، با پیام‌رسانی حضرت زینب کبری(س) در تاریخ ماندگار شد و امروز در قامت بزرگ‌ترین اجتماع مردمی جهان، نویدبخش آینده‌ای است که در آن، حقیقت بر تحریف، عدالت بر ظلم و معنویت بر مادی‌گرایی غلبه خواهد کرد. اربعین فقط یادگار عاشورا نیست؛ نقشه راه آینده امت اسلامی و نشانه‌ای روشن از آن حقیقت بزرگ است که تاریخ، برخلاف همه محاسبات قدرت‌های مادی، همچنان در همان مسیری حرکت می‌کند که سیدالشهدا(ع) با خون خود ترسیم کرد. این راهپیمایی عظیم، نه فقط حرکت پاهای در جاده نجف تا کربلا، بلکه حرکت دل‌ها در مسیر بازگشت به خوشتن، ایمان، همدلی و مسئولیت انسانی است. مسیر اربعین، بی‌تردید همان مسیر درست تاریخ است.

نه تنها زائر را فرسوده نمی‌کند، بلکه به ابزاری برای تظهير روح و سیقل دادن ایمان تبدیل می‌شود. انسان در اربعین، تنها کیلومترها راه نمی‌رود؛ بلکه از خودخواهی به ایثار، از تنهایی به همدلی و از روزمرگی به معنا سفر می‌کند. سختی راه به عشق حسین(ع) آسان می‌شود و این تجربه شیرین رهایی از خودخواهی، یکشتی معناطیسی پدید می‌آورد که شوق تکرار آن را سال به سال در وجود انسان شعله‌ورتر می‌سازد؛ زاری فرامادی که تحلیل‌های مادی از درک آن عاجزند. جهان امروز بیش از هر زمان دیگری، گرفتار بحران معنا، فروپاشی خانواده، گسترش تنهایی و بی‌اعتمادی اجتماعی است. پیشرفت فناوری، اگرچه رفاه بیشتری فراهم کرده، اما نتوانسته است عطش معنویت و احساس تعلق را در انسان فرو بپاشد. در چنین شرایطی، اربعین پاسخی به بحران انسان معاصر است. زائر در این مسیر، تنها راه نمی‌رود؛ از خودخواهی به ایثار، از فردگرایی به همدلی و از روزمرگی به معنا سفر می‌کند. همین تجربه است که هر سال میلیون‌ها انسان را دوباره به این مسیر فرا می‌خواند. همه اینها نشان می‌دهد که هنوز می‌توان بر محور ایمان، عشق، خدمت و عدالت، جامعه‌ای ساخت که انسان در آن احساس کرامت، امنیت و تعلق کند.

این حرکت عظیم آیینی، به عرصه‌ای برای شکل‌گیری پیوندهای اجتماعی و هویتی در